

به‌نام کنگره حزب توده ایران، به کام دشمنان

اخیراً " نامه مردم "، به‌نام ارگان مرکزی حزب توده ایران، خبر تشکیل " کنگره ششم " حزب را اعلام کرده و اسنادی را نیز به‌نام مصوبات این «کنگره» منتشر ساخته است. از جمله مصوبه های این «کنگره» سندی است با عنوان " سی سال از یورش وحشیانه رژیم ولایت فقیه برای نابودی حزب توده ایران می گذرد."

سرفصل این مصوبه این انتظار را در خواننده به وجود می آورد که سرانجام پس از سپری شدن بیش از سی سال، یک «کنگره حزبی» در صدد برآمده است تا علل واقعی یورش به حزب توده ایران و ابعاد گسترده این یورش را بررسی کند و ارزیابی جامع و دقیقی از نقاط قوت و ضعف حزب در سال های انقلاب ارائه دهد؛ زوایای تاریک این یورش وحشیانه را روشن سازد و دلایل سیاسی و حکومتی دستگیری ها، زندان ها، شکنجه ها و کشتارهای بی رحمانه را تحلیل نماید؛ و پس از بررسی و ارزیابی این مراحل، مطابق سنت پسندیده و همیشگی حزب توده ایران، مسائل مبرم و پیش روی جامعه ایران را بازگو و ضمن درس گیری از گذشته، راهکارهای عملی منطبق با شرایط ویژه امروز ایران را نشان دهد.

اما متأسفانه می بینیم که این سند کل فاجعه را در «خوش بینی حزب به آقای خمینی» خلاصه می کند و هیچ تحلیل دقیق و واقع بینانه از آنچه گذشته است ارائه نمی دهد. بر اساس یک چنین بررسی و تحلیل ساده گرانه ای، یک حزب مدعی پیشرو بودن می تواند چه سیاست مشخص و دقیقی را برای امروز و فردای جامعه ایران ارائه دهد؟!

در این سند، که نام «سی سال بعد از یورش ...» را بر پیشانی خود دارد، به مسائلی مربوط به انقلاب و سیاست اتحاد و انتقاد حزب ما در برابر رهبری انقلاب کمتر می توان دست یافت. در عوض، تهیه کنندگان این سند، در ادامه روشی که به مرور زمان در مهاجرت به یک گرایش مسلط بدل شده، تمامی توش و توان خود را به کار برده اند تا همه کسانی را که برای موقعیت خویش خطر می پندارند، یا مخالف سیاست، شیوه و روش حزب مداری خود دیده و می بینند، با سخیف ترین برجسب ها، تهمت ها و افتراها، بدون ارائه کوچک ترین سند و مدرک از میدان به در کنند. این بار امّا، در سیاه کردن چهره حزب توده ایران، و معرفی آن به عنوان حزبی که حتی مخالفین توده ای خود را نه با نقد دیدگاه های نظری و سیاسی که با تهمت و برجسب از میدان به در می کند، چنان شتاب گرفته اند که دامنه این برجسب زنی ها و هتک حرمت ها را به تمام توده ای های مهاجری که در مخالفت با آنان از فعالیت های حزبی کنار کشیده ولی کماکان توده ای باقی مانده اند، و نیز همه انانی را که خود از حزب رانده اند، گسترش داده اند.

مروری کوتاه بر گذشته به یاد همه ما می آورد که به دنبال یورش سهمگین جمهوری اسلامی به حزب توده ایران شماری از اعضای رهبری منتخب پلنوم وسیع هفدهم حزب در داخل کشور و همچنین صدها کادر، عضو و هوادار حزب توانستند از چنگ حکومت بگریزند و جلالی وطن کنند. در این میان تنها عضو هیئت سیاسی حزب که پیش از یورش ها به مأموریت خارج اعزام شده بود، علی خاوری بود که سکان حزب را در مهاجرت به دست گرفت. وی تنها کسی بود که از اعتماد اکثریت توده ای های جان بدر برده برخوردار بود. امید این بود که علی خاوری بتواند از سرمایه سیاسی و اعتمادی که توده ای ها به وی داشتند در جهت ایجاد وحدت و انسجام و احیای حزب حداکثر بهره برداری را بکند. اما در کمال تأسف شاهدیم که طی سی سال گذشته نه تنها لطمات ناشی از فاجعه یورش جمهوری اسلامی به حزب توده ایران همچنان در مهاجرت به نوع دیگری ادامه یافته، بلکه اکنون شریف ترین فرزندان حزب به دست خود حزب هدف انگ هایی چون «مشکوک»، «عامل

رژیم»، «وابسته به وزارت اطلاعات»، «بریده» و دیگر برجسب های سخیف از این نوع قرار داده می شوند.

امروز دیگر برای بسیاری از توده های روشن شده است که، طی سی سال گذشته، لطمات این شیوه حزبمداری و چنین شیوه برخورد با منتقدین سیاسی و سازمانی حزب کمتر از ضربه ناشی از یورش به حزب نبوده است. اخراج و طرد دسته جمعی کسانی که به نوعی مخالف این شیوه ها بوده اند یا اینجا و آنجا با سیاست های روز آنان توافق نداشته اند، آن هم بدون رعایت کوچکترین موازین حزبی، بخشی از تاریخ سیاه حزبمداران طی سی سال گذشته بوده است. این گروه بر آن است که حزب فقط آنجاست که ما هستیم.

باید گفت مدعیان برپائی کنگره ششم و صادرکنندگان این سند، با مصادره نام ارگان حزب و مخفی شدن پشت نامی که اساساً باید منعکس کننده آمال سیاسی و سازمانی هزاران توده ای — اعم از مهاجر و غیرمهاجر — باشد، سندی را منتشر ساخته اند که اندک امید باقی مانده به تجدید نظر در روش های سی سال گذشته را بر باد می دهد.

اعتبار هر حزبی در گرو تحلیل های دقیق و واقع بینانه از اوضاع سیاسی و اجتماعی جامعه است. یک چنین اعتباری تنها از تلاش بی وقفه در راه ایجاد وحدت و انسجام درون حزبی، سازمان دادن اتحاد و همگرایی نیروهای چپ، ملی و متحدان مرحله ای، و نیز تعیین واقع بینانه ترین سیاست ها، و عملی ترین و مبرم ترین شعارهای سیاسی و اجتماعی روز به دست می آید. آیا سند کنگره ششم در این راه و در جهت این اهداف گام برداشته است؟

مصوبه «سی سال از یورش ...» «کنگره ششم حزب»، پا را بسیار فراتر از حد و ظرفیت خود نهاده و با به کارگیری شیوه های مذمومی که در تمامی سال های مهاجرت با پراکنده ساختن نیروهای حزبی و اشتباهات متعدد سیاسی، نادرستی خود را اثبات کرده، همه کوشش خود را برای ایجاد تفرقه بیشتر و بدنام ساختن حزب توده ایران به کار گرفته است.

امید ما آن است که همه آنانی که با قلبی سرشار از عشق به مردم و میهن و آرمان های توده ای به دامان حزب توده ایران پیوسته و در راه آن مبارزه کرده اند، چنین روش های منسوخ را به شدت طرد و محکوم کنند و با هشیاری و وسواس مانع از آن گردند که این چنین به چهره حزب، تاریخ آن و توده ای ها چنگ انداخته شود. نباید بیش از این اجازه داد که به نام حزب توده ایران، این چنین بر تاریخ درخشان این حزب خط بطلان بکشند و چهره حزب و اعضای آن را تاریک سازند.

۱۷ مارس ۲۰۱۳

milar5@gmx.de

محمد حقیقت - رضا نافی - محمد اسمنی - بهروز مطلب زاده - مظفر علی عباسی - داود ابراهیمی
— اسفندیار صادق زاده — مجید احمدی